

اقتصاد فرغونی

تهیه و تنظیم:
احسان سلطانی - اقتصاددان



یا حداقل کاهش تدریجی رانتها» و «اخذ مالیات از ثروتمندان و درآمدهای بالا»، با ایجاد تورم (از طریق بالا بردن بهای اقلام کلیدی، خدمات دولتی و نرخ ارز) همه اینها به عامه مردم منتقل می‌گردد که پیامدهای آن افزایش فقر و نابرابری‌ها، تشدید رکود در بخش خصوصی و بیکاری است.

اقتصاد تک محصولی، اقتصادی فرغونی است و فاجعه آمیزتر از آن سیاستگذاری تک متغیره فرغونی است که با تحریف مسیر اصلاح، مانع از نجات اقتصاد کشور می‌شود.

تا کنون هزاران مرتبه گفته شده و تجربه شده است که راه نجات اقتصاد ایران گذار از یک اقتصاد رانتیر (Rentier State) برون زا و درون گرا و رسیدن به یک اقتصاد درون زا و برون گرای متکی به کار و نوآوری می‌باشد که از طریق توسعه صنایع و خدمات کاربر و دانش بر قابل دستیابی است.

تنها نسخه نجات بخش تکیه بر نیروی مولد مردم است و نه تمرکز بر یک اقتصاد دولتی - خصولتی - رانتی که با کوچک کردن مستمر سفره مردم می‌تواند استمرار پیدا کند.

در یک اقتصاد درون گرا اولویت اصلی سرمایه گذاری در نیروی انسانی، دانش و نوآوری است، نه سرمایه گذاری در صنایع و بخش های اقتصادی رانتی و فروش مواد خام و اولیه.

آزموده را آزمودن خطا و بارها آزمودن بس فاجعه آمیز است.

دانش بر مانند اکثر اقتصادها نیست. در اقتصاد تک محصولی ایران، تنها راه حل مرسوم و سهل الوصول جهت رفع کسری بودجه و تنگناهای مالی نرخ ارز است، زیرا با ساز و کار حاکم بر این اقتصاد عامل دیگری در دسترس دولتمردان قرار ندارد. بنابراین در یک اقتصاد فرغونی، با نادیده گرفتن ریشه ها و عوامل کلیدی، افزایش نرخ ارز و اقلام اساسی به عنوان تنها متغیر کلیدی اقتصادی معرفی می‌شود.

به عبارتی اقتصاد فرغونی به تک متغیر فرغونی وابسته می‌گردد و افزایش نرخ ارز و تورم به نسخه نجات بخش همه مشکلات تبدیل می‌گردد.

این نسخه برای گذران روزمره امور دولت و استمرار کسب منافع رانتی‌ها، همه فشارها را با اعمال مالیات تورمی به عامه مردم منتقل می‌کند. در این میان به سود بنگاه های دولتی و شبه دولتی و قشر قلیلی از جامعه، بخش خصوصی واقعی و مردم روز به روز نحیف تر و ضعیف تر می‌شوند.

سیاستگذاری‌ها به جای کاهش نرخ تورم و پرداختن به ریشه مشکل به درمانی معطوف می‌شود که اقتصاد را وارد ماریپیچ تورمی و دور تسلسل مخرب «افزایش نرخ ارز - افزایش نرخ تورم - افزایش نرخ ارز» می‌کند. این موضوع یعنی مالیات تورمی که در اصل فشار آن به اقشار ضعیف و متوسط وارد می‌شود. در سناریوی اعمال مالیات تورمی به جای «قطع مخارج غیر حاکمیتی و غیر ضروری دولت»، «قطع و

فرغون یک وسیله ابتدایی حمل بار است که روی یک چرخ می‌چرخد و به واسطه نیروی محرکه بیرونی به حرکت درمی‌آید و هر گاه این نیرو قطع شود از حرکت باز می‌ایستد.

اقتصاد تک محصولی برون زا و درون گرای ایران برای حرکت به نیروی محرکه بیرونی درآمد ارزی حاصل از فروش ثروت‌ها و منابع خام و اولیه محتاج است. حتی آن چه که به عنوان صادرات غیرنفتی مطرح می‌شود، در اصل از رانت منابع ملی بهره می‌گیرد و به سرچشمه ثروت‌های ملی وصل است. صادرات پتروشیمی و فولاد با رانت گسترده مواد خام و انرژی ممکن شده است.

حتی بخش اعظم صادرات کشاورزی هم به انرژی بسیار ارزان برای بهره‌برداری بی‌رویه از ذخایر محدود و رو به نابودی آب‌های زیرزمینی تکیه دارد، چنان چه ایران دارای کمترین هزینه برداشت آب‌های زیرزمینی (Pump Price) در سطح جهان است.

در این اقتصاد ارز خارجی منبع تامین بخش با اهمیتی از کالاهای اساسی و مواد اولیه، واسطه ای و مصرفی مورد نیاز مردم و صنایع داخلی است. اقتصاد ایران قادر به تولید ارز نیست و ارزی هم که عرضه می‌شود یا مستقیماً از فروش منابع خام به دست می‌آید یا به واسطه اعطای مجوزها و رانتهای دولت به گروه های منتخب از صادرات منابع خام یا تولید مواد اولیه از آنها حاصل می‌شود. بنابراین منشاء تحویل ارز کار و تلاش جامعه و صادرات کالاها و خدمات کاربر یا